[اشتراک گذاری](https://www.facebook.com/sharer.php?t=%D9%88%D8%B8%D8%A7%DB%8C%D9%81%20%D8%B7%D9%84%D8%A8%D9%87%20%D9%86%D8%B3%D8%A8%D8%AA%20%D8%A8%D9%87%20%D8%AE%D9%88%D8%AF%20%D9%88%20%D8%AF%DB%8C%D9%86%20%D9%88%20%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87%20-%20%D9%BE%D8%B1%D8%B3%D9%85%D8%A7%D9%86&u=https://www.porseman.com/article/%D9%88%D8%B8%D8%A7%DB%8C%D9%81-%D8%B7%D9%84%D8%A8%D9%87-%D9%86%D8%B3%D8%A8%D8%AA-%D8%A8%D9%87-%D8%AE%D9%88%D8%AF-%D9%88-%D8%AF%DB%8C%D9%86-%D9%88-%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87/169115%3Futm_source%3Dfacebook%26utm_medium%3Dshare) [اشتراک گذاری](https://twitter.com/intent/tweet?text=%D9%88%D8%B8%D8%A7%DB%8C%D9%81%20%D8%B7%D9%84%D8%A8%D9%87%20%D9%86%D8%B3%D8%A8%D8%AA%20%D8%A8%D9%87%20%D8%AE%D9%88%D8%AF%20%D9%88%20%D8%AF%DB%8C%D9%86%20%D9%88%20%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87%20-%20%D9%BE%D8%B1%D8%B3%D9%85%D8%A7%D9%86&url=https://www.porseman.com/article/%D9%88%D8%B8%D8%A7%DB%8C%D9%81-%D8%B7%D9%84%D8%A8%D9%87-%D9%86%D8%B3%D8%A8%D8%AA-%D8%A8%D9%87-%D8%AE%D9%88%D8%AF-%D9%88-%D8%AF%DB%8C%D9%86-%D9%88-%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87/169115%3Futm_source%3Dtwitter%26utm_medium%3Dshare) [اشتراک گذاری](https://web.whatsapp.com/send?text=https://www.porseman.com/article/%D9%88%D8%B8%D8%A7%DB%8C%D9%81-%D8%B7%D9%84%D8%A8%D9%87-%D9%86%D8%B3%D8%A8%D8%AA-%D8%A8%D9%87-%D8%AE%D9%88%D8%AF-%D9%88-%D8%AF%DB%8C%D9%86-%D9%88-%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87/169115%3Futm_source%3Dwhatsapp%26utm_medium%3Dshare) [اشتراک گذاری](https://www.linkedin.com/shareArticle?title=%D9%88%D8%B8%D8%A7%DB%8C%D9%81%20%D8%B7%D9%84%D8%A8%D9%87%20%D9%86%D8%B3%D8%A8%D8%AA%20%D8%A8%D9%87%20%D8%AE%D9%88%D8%AF%20%D9%88%20%D8%AF%DB%8C%D9%86%20%D9%88%20%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87%20-%20%D9%BE%D8%B1%D8%B3%D9%85%D8%A7%D9%86&url=https://www.porseman.com/article/%D9%88%D8%B8%D8%A7%DB%8C%D9%81-%D8%B7%D9%84%D8%A8%D9%87-%D9%86%D8%B3%D8%A8%D8%AA-%D8%A8%D9%87-%D8%AE%D9%88%D8%AF-%D9%88-%D8%AF%DB%8C%D9%86-%D9%88-%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87/169115%3Futm_source%3Dlinkedin%26utm_medium%3Dshare) [اشتراک گذاری](https://t.me/share/url?text=%D9%88%D8%B8%D8%A7%DB%8C%D9%81%20%D8%B7%D9%84%D8%A8%D9%87%20%D9%86%D8%B3%D8%A8%D8%AA%20%D8%A8%D9%87%20%D8%AE%D9%88%D8%AF%20%D9%88%20%D8%AF%DB%8C%D9%86%20%D9%88%20%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87%20-%20%D9%BE%D8%B1%D8%B3%D9%85%D8%A7%D9%86&url=https://www.porseman.com/article/%D9%88%D8%B8%D8%A7%DB%8C%D9%81-%D8%B7%D9%84%D8%A8%D9%87-%D9%86%D8%B3%D8%A8%D8%AA-%D8%A8%D9%87-%D8%AE%D9%88%D8%AF-%D9%88-%D8%AF%DB%8C%D9%86-%D9%88-%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87/169115%3Futm_source%3Dtelegram%26utm_medium%3Dshare)

**سلام علیکم، یک عالم دینی دقیقا باید چه مشخصاتی داشته باشد تا ادامه دهنده راه حضرت محمد (ص) وامامان معصوم باشد؟ مثلا اگاه به زمان باشد، ربانی باشد، در برابر تحریف ها سکوت نکند، راوی حدیث باشد، فقیه باشد ، ازادمنش باشد و ... خلاصه دنبال سخنی و مطلبی هستم که به طور جامع در این باره حرف زده باشد؟**

دوست گرامی برای آشنایی شما قسمتی از کتاب عالم طلبگی تالیف استاد الهی را برای شما درج کرده ایم امیدواریم مفید باشد اهمیت آشنایی با وظایف طلبگی!اولا وظیفه در مقابل حق است. وقتی ما از امکانات حوزه و دین استفاده می کنیم وظایفی هم در قبال آن داریم که باید بشناسیم و عمل کنیم.حوزه به ما علم می آموزد، عقلانیت ما را رشد می دهد و هزینه زیادی صرف پرورش ما می شود، ما هم در مقابل وظیفه داریم که در راستای اهداف هدایتی حوزه دینی در جامعه، حرکت کنیم و به وظایف فراوانی که به عهده داریم عمل کنیم.  
همانگونه که در دین واجباتی تحت عنوان وظایف دینی مطرح می شود که هر مسلمان لازم است آنرا بداند و عمل کند، در طلبگی هم علاوه بر واجبات دینی، وظایف دیگری وجود دارد که هر طلبه ای باید به آنها عمل کند.  
فایده آشنایی با وظایف طلبگی این است که نسبت به آنها احساس مسئولیت داشته باشیم و بتوانیم مهارت های لازم را جهت اجرایی کردن آنها فرا بگیریم.  
به طور مثال وقتی می گوییم طلبه وظیفه دارد که دین را تبلیغ نماید، معنایش این است که باید خودش را برای انجام این وظیفه آماده کند و مهارت های لازم را برای آن فرا گیرد.یا اگر گفتیم که طلبه وظیفه دارد که به مردم مشاوره دینی بدهد، معنایش این است که باید مهارت مشاوره را بیاموزد و برای انجام این ماموریت آماده باشد.بنابراین توصیه ما به طلبه ها این است که لیستی از وظایف گوناگون طلبگی در حوزه های مختلف تهیه نمایند و برای تحقق هر یک برنامه ریزی مناسب داشته باشند.متاسفانه امروزه طلبه ها با این وظایف به خوبی آشنا نیستند و عمل نمی کنند و همین موضوع باعث مشکلات فراوانی در جامعه شده است. در صورتی که اگر می شناختند و عمل می کردند وضعیت بسیار بهتری داشتیم. وظیفه طلبه نسبت به دین!.هر طلبه نسبت به دین دو وظیفه مهم دارد:۱- تفقه در دین یا دین‌ شناسی جامع و عمیق:.  
اولین و مهمترین وظیفه طلبه تفقه در دین و دین شناسی است. در آیه نفر که در مورد طلبه ها نازل شده، ابتدا آمده: لیتفقهوا فی الدین - بنابراین کسب علوم دینی و تفقه در دین و آشنایی با عقلانیت و اندیشه توحیدی حاکم بر آموزه های دینی و قدرت استنباط و تبیین عقاید و احکام و اخلاق از متون دینی اولین وظیفه طلبه است.طلبه باید با دین خدا به صورتی کامل، موزون و متناسب آشنا باشد. اگر فرض کنیم طلبه شناخت عمیق و متوازنی از دین خدا نداشته باشد نمی‌تواند در نهاد متولی امر دین به خوبی نقش ایفا کند.از حیث مسئولیت اجتماعی، طلبه کار خویش را حفظ معالم دین و به روز کردن مطالب دین می‌داند که نوعی تفقه است. دقت کنید!تفقّه صرفاً به معنای مرور کردن حرف‌های گذشته یا دقت تازه‌ای بر آنها اعمال کردن نیست. بلکه تفقه، یافتن پاسخ سؤال‌های نوپیدا و نیازهای جدید از دین نیز می باشد.  
گاهی منظور از تفقه این است که شخص اصول و فقه بخواند و بتواند در درس خارج شرکت کند تا او هم نقض و ابرامی را که اساتیدش می‌کنند، داشته باشد.ولی یک وقت تفقه به معنای توانایی طلبه برای پاسخ دادن به نیازهای نوآمد و سؤالات نوپیدا است. با این بیان طلبه را نباید از فضای روز و علوم جدید منفک کنیم، زیرا در صورت جدایی، دیگر صورت مسأله‌ای برای طلبه پیش نمی‌آید که بخواهد در منابع دینی جوابی برای آن بیابد.  
تفقه در دین نیازمند دو رکن است: رکن اصلی اینکه مهارت تفقه در منابع دینی را دارا باشد، رکن دیگر اینکه بتواند سؤالات و نیازهای روز جامعه را به خوبی بشناسد و راهکار دین را در رفع نیازها و پاسخ به سوالات جدید بداند.  
گستره دین خیلی وسیع‌تر از احکام است، گاهی دین فقط احکام دانسته می‌شود آن هم به مدل خاصی که مثلاً در کتاب شرایع آمده است.  
و گاهی نیز وسیع تر از احکام فرض می شود کما اینکه معارف، عقاید، اخلاقیات و حقوق و نظام‌های اداره جامعه و احکام عملی همگی داخل در دین هستند. طبیعتاً کسی که درصدد تفقه در دین است باید در این مجموعه مهارت تفقه را کسب کند.  
اگر دین مدعی است که برای تمام عرصه‌های زندگی بشر، احکام، قانون و دستورالعمل دارد و همه نظام‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و اخلاقی و رفتاری بشر را براساس معارف و عقائد و حقایق تکوینی تنظیم می کند، چه کسی باید در این مجموعه تفقه و تأمل کند و این نظامات را کشف و تبیین نماید جز فقیه و عالم دین.  
تحقیق و پژوهش در زمینه های مختلف علوم دینی شامل تمام نظام های فردی و اجتماعی زندگی انسان، تلاش جدی طلبه برای تفقه در دین می باشد که البته باید با رویکرد انسان پروری انجام شود نه رویکرد دین فربهی.  
۲. دفاع از دین و پاسخ به سوالات و شبهات:.  
دفاع از دین در برابر شبهات و هجمه های دشمنان دین و دگراندیشان و مبارزه با فرهنگ های نفوذی یکی از وظایف مهم طلاب و عالمان دین است. همچنین در کنار ترویج و تبلیغ معارف اصیل دینی و اسلام ناب، باید با خرافات نیز مبارزه کرد.  
امروز و به خصوص بعد از انقلاب اسلامی که حاکمیت اسلام در ایران جریان دارد، سوالات و شبهات فراوانی از طریق دشمن و دوست در فضای حقیقی و مجازی نسبت به دین مطرح می شود که عمدتا هم قصد تخریب دارند.  
خوب چه کسی وظیفه دارد که به این ها پاسخ بدهد و از ذهن و دل جوانان این مرزوبوم مراقبت و ایمان مردم را محافظت نماید، جز روحانیت. این وظیفه اکنون به دوش علماء دینی است که از ارزش ها و اعتقادات اسلام را پاسداری کنند.  
رهبر انقلاب اسلامی در این زمینه فرمودند:  
کسانی دارند روز به روز خرافات جدیدی را وارد جامعه ی ما می کنند. مبارزه ی با خرافات را باید جدی بگیرید. این روش علمای ما بوده.... ما خیال می کنیم اگر با یک مطلبی که مورد عقیده ی مردم است و خرافی و خلاف واقع است، مقاومت کردیم، بر خلاف شئون روحانی عمل کرده ایم؛ نه، شأن روحانی این است.  
همین آیه ای که الان خواند اند: الّذین یبلّغون رسالات اللَّه و یخشونه ولا یخشون احدا الّا اللَّه و کفی باللَّه حسیباً - در مورد چیست؟.  
پیغمبر اکرم از طریق جبرئیل مطلع شد که زینب (دختر عمه اش) که یک روزی برای مبارزه ی با اشرافیگری، او را به عقد پسرخوانده ی آزاد شده ی خودش (زیدبن حارثه) درآورده بود، همسرش خواهد شد.  
پیغمبر زیدبن حارثه را که غلامش بود، خرید، آزاد کرد و به عنوان پسرخوانده ی خودش انتخاب کرد و بعد هم دختر عمه ی خودش زینب را - که جزو اشراف و خانواده ی قریش و بنی هاشم بود - به تزویج او در آورد.  
اما وقتی زید، زینب را طلاق داد و پیغمبر زنِ پسر خوانده ی خودش را خواستگاری کرد و گرفت؛ و این در حالی بود که قریش زنِ پسر خوانده را مثل زنِ فرزند می دانستند.  
بر حسب سنت های قدیم جاهلی، مسلمان ها هم هنوز در همان فکرها بودند که کسی زنِ پسرخوانده ی خودش را نمی تواند بگیرد؛ اما پیغمبر زن پسرخوانده ی خودش را گرفت و با عمل خویش با خرافات جاهلی مبارزه کرد.  
بیانات رهبر انقلاب در دیدار روحانیون استان سمنان ۱۷/۸/۱۳۸۵  
  
حد نصاب دین شناسی!  
دین شناسی استنادی و استدلالی! حداقلی و حداکثری!.  
حداقل شناخت دین، درجه‌ای از دین شناسی و فهم موزون دین است که برای طلبه ضروری می باشد و اگر طلبه آن را نداشته باشد نمی‌تواند رسالت طلبگی خود را ایفا کند.  
دین یک واحد به هم پیوسته اما در عین حال گسترده، عمیق و دارای روابط پیچیده است و لذا دین‌شناسی چندان قابل تبعیض و تجزیه نیست. برای آشنایی با چنین پدیده‌ای باید همه اجزا را به صورتی متوازن شناخت.  
این شناخت دو گونه است؛ دین‌شناسی استنادی و دین‌شناسی استدلالی و اجتهادی.  
دین‌شناسی استنادی تصویر کامل و متوازن از دین است که به یاری استادان فن و اسلام‌شناس محقق به دست آمده است. در این روش طلبه سخنان خود را مستند به کلمات بزرگان دین بیان می نماید. دین‌شناس استنادی در حقیقت مقلد است و خود به تنهایی توان استفاده از منابع دین را ندارد و برای تجسم چهرة اسلام نیاز به یاری دیگران دارد.  
دین شناسی استنادی بیشتر برای هدایت عامه مردم کاربرد دارد، زیرا عموم مردم با داشتن ذهن عوامی، حوصله و کشش مطالب استدلالی را ندارند و با استناد قانع می شوند.  
اما دین شناسی استدلالی یا اجتهادی مربوط به محققان دین‌شناس و عالمانی هست که می‌توانند به تنهایی از منابع دین ـ عقل و قرآن و روایات ـ مطالب دین را استخراج کنند، پیام آن را دریابند و سیمای آنرا درک کنند.  
شناخت چهره موزون دین هرچند به اعتماد دیگران به دست آمده باشد، بسیار ارزشمند است و حد نصاب طلبگی به شمار می‌رود و دین شناسی تحقیقی و داشتن ملکه اجتهاد، ضرورت صنفی طلبه نیست، گرچه این ملکه در کارآمدی طلبه بسیار تأثیرگذار است و اگر بخواهیم سیمای طلبه موفق را ترسیم کنیم لاجرم باید اجتهاد را به عنوان یکی از شرایط اصلی بیان کنیم.  
دین‌شناسی هم چهره اثباتی و هم چهره سلبی دارد؛ یعنی طلبه هم باید با آموزه های اصیل دین آشنا باشد و هم آموزه های تقلبی مشابه را بشناسد و هنر تشخیص بدعت ها و تحریف ها را داشته باشد و شاخک های حساس علمی او، نسبت به کجی ها، انحرافات، تأویل ها و استنادات ناروا واکنش نشان دهد.  
بدین ترتیب، هر چه طلبه در تشخیص انحرافات دقیق تر باشد و قدرت حدس لوازم و فروعات مخفی گزاره ها را پیش از بروز آسیب، بیشتر داشته باشد، موفق‌تر، کارآمدتر و ارزنده تر است.  
امام صادق (ع) از قول پیامبر اسلام (ص) فرمودند: یحمِلُ هذَا الدّینَ فی کلِّ قَرنٍ عُدولٌ ینفونَ عَنهُ تَأویلَ المُبطِلین وَ تَحریفَ الغالینَ وَ انتِحالَ الجاهِلینَ- رادمردانی، در هر عصر بار دین را به دوش می کشند و تأویل اهل باطل و تحریف اهل غلو و استناد ناروای اهل جهالت را از دین نفی می کنند.  
برای رسیدن به حدنصاب دین‌شناسی، مطالعه مستمر آیات و روایات، مطالعه آثار اندیشمندان بزرگ اسلامی، و ارتباط با عالمان دین ضروری است.  
طلبه نمونه و موفق بر حداقل‌ها اکتفا نمی‌کند و پس از تحصیل حد نصاب، به مراتب برتر دین‌شناسی ـ یعنی ملکه اجتهاد و تسلط بر استنباط از منابع اصلی ـ نیز می‌پردازد.  
برای رسیدن به ملکه اجتهاد موارد زیر ضروری است:.  
۱. آشنایی با علوم مقدماتی مانند ادبیات عربی (صرف و نحو و بلاغت و لغت و ...)،  
۲. آشنایی با علوم روشی مانند منطق، اصول، رجال، درایه،  
۳. آشنایی با علوم عقلی (کلام، فلسفه، عرفان)،  
۴. مهارت‌های تحصیلی (مطالعه، مباحثه، تدریس و ...)،  
۵. مهارت‌های پژوهشی (پرسشگری، منبع‌یابی، ساختار علمی، جمع‌آوری اطلاعات و تدوین محتوا و ...)  
  
ضرورت خودسازی طلبگی!  
مهمترین وظیفه یک طلبه و روحانی خودسازی است. شما می خواهید در آینده مردم را به خدا نزدیک کنید. می خواهید بنده تربیت کنید. می خواهید نفس آنها را تزکیه کنید. می خواهید به آنها اخلاق یاد بدهید. عشق یاد بدهید.  
خوب طبیعی است که اول باید خودتان واقعا بنده خدا باشید، تزکیه کرده باشید، از نفسانیت خارج شده باشید، عقلانیت کاملی برای خود بسازید و قلب خود را جلا دهید و عشق را تجربه کنید، خوش اخلاق باشید تا بتوانید این حقایق را به مردم منتقل نمایید.  
برای اهل علم فرض است که علاوه بر تفقه در دین، در جهت تهذیب نفس و خودسازی نیز مجاهدت نمایند و قبل از تلاش برای هدایت و تزکیه نفوس دیگران، خود نیز در اجرای دین در زندگی شخصی و خانواده کوشش نموده، اهل عمل به دانسته ها باشند.  
در این زمینه به کلامی از امام خمینی (رض) اشاره می کنیم. ایشان در سخنرانی خطاب به طلاب فرمودند: شما که امروز در این حوزه ها تحصیل مى کنید و مى خواهید فردا رهبرى و هدایت جامعه را به عهده بگیرید، خیال نکنید تنها وظیفه شما یادگرفتن مشتى اصطلاحات مى باشد، وظیفه هاى دیگرى نیز دارید.  
شما باید در این حوزه ها خود را چنان بسازید و تربیت کنید که وقتى به یک شهر یا ده رفتید، بتوانید اهالى آنجا را هدایت کنید و مهذب نمایید.  
از شما توقع است که وقتى از مرکز فقه رفتید، خود مهذب و ساخته شده باشید، تا بتوانید مردم را بسازید و طبق آداب و دستورات اخلاقى اسلامى آنان را تربیت کنید.  
اما اگر خداى نخواسته در مرکز علم خود را اصلاح نکردید، معنویات کسب ننمودید، به هر جا که بروید العیاذ باللّه، مردم را منحرف ساخته، به اسلام و روحانیت بدبین خواهید کرد.  
اگر مردم از شما عملى که برخلاف انتظار است مشاهده کنند، از دین منحرف مى شوند از روحانیت بر مى گردند، نه از فرد. اى کاش از فرد بر مى گشتند و به یک فرد بدبین مى شدند، ولى اگر از یک روحانى عملى ناشایست و برخلاف نزاکت ببینند، تجزیه و تحلیل نمى کنند.  
در زمینه تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح اخلاق برنامه تنظیم کنید، استاد اخلاق براى خود معین نمایید، جلسه وعظ و خطابه، پند و نصیحت تشکیل دهید. خودرو نمى توان مهذب شد. اگر حوزه ها همین طور از داشتن مربى اخلاق و جلسات پند و اندرز خالى باشد، محکوم به فنا خواهد بود.  
رهبر انقلاب حضرت آیه الله خامنه ای هم در جمع روحانیون مشهدی طی سخنانی فرمودند: مهمتر از همه، مسؤولیت شخص خود ما است. من نصب نفسه فی النّاس اماما فلیبداء بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره.  
اول، تأدیب نفس است که بدون این، برداشتن بار مسؤولیت، ممکن نخواهد شد و یک جا خراب خواهد شد و بار بر زمین خواهد ماند و مدعی خود و غیر خود را بدنام خواهد کرد.  
اگر بخواهیم که بار، سالم به مقصد برسد، باید همه خودمان را اصلاح کنیم. من خودم را بیش از همه و پیش از همه، مستحق اصلاح می دانم.  
اصلاح از لحاظ اخلاقی و روحی و تدارک کردن اخلاص و قصد قربت و اجتناب از گناه؛ همان که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: و لکن اعینونی بورع و اجتهاد و عفّة و سداد.  
یعنی تلاش دایم برای درست حرکت کردن و منحرف نشدن و عفت و سداد.  
اگر فهرستی از وظایف ما طلبه ها تهیه شود قطعا سرلوحه آن خودسازی خواهد بود. در درجه اول ما باید متوجه خودمان بشویم و بنیه معنوی و دینی خودمان را تقویت کنیم.  
تقوا و پرهیزگاری و خودسازی اولین وظیفه ما معممین است. آن کسی که بنیه معنوی قوی دارد، می‌تواند بارهای سنگین را بر دوش حمل کند.آن کسی که خودش در درون خودش دچار مشکل است، این نمی‌تواند بارهای سنگین را بردارد.  
شما طلبه های جوان و فضلای جوان خیلی این جوانی را قدر بدانید. این دل‌های پاکیزه و آلوده نشده شما امروز می‌تواند شخصیتی از شما بسازد که در طول زمان این چراغ معنویت در درون قلب شما روشن بماند و هیچ چیز نتواند جلوی روشنائی و درخشندگی آن را بگیرد؛ اولین درس ما توجه به خدا است؛ تذکر حضور در محضر پروردگار است.  
این کار آسانی برای جوان است. دوره جوانی که می‌گویند باید قدر بدانید، یکی از مهم‌ترین مصادیقش این است: اجتناب از گناه، پرهیز از موارد شبهه، اما وقتی سن انسان بالا رفت کار دشوار می شود.  
برگرفته از سخنان رهبر انقلاب اسلامی در ملاقات با روحانیون. وظیفه طلبه نسبت به مردم و جامعه!  
۱- هدایت و تبلیغ دین نسبت به عموم مردم:.  
رسالت طلبه در جایگاه هدایتی، همان رسالت دین و انبیاء الهی است، دین برای هدایت انسان آمده و انبیاء کارشان تربیت انسان بوده است. در قرآن کریم آمده: یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه. انبیاء الهی این سه وظیفه را داشتند، ماموریت طلبه و عالم دینی هم هدایت مردم در همین سه جهت است.  
رسالت طلبه و عالم دینی در حقیقت این است که پیام اصلی دین که عبودیت خدای متعال است، را به مردم ابلاغ کند و مردم را با خداوند و وظایف دینی و اخلاقی خود آشنا سازد و راه معرفت و حکمت و رسیدن به خدا و قرب الهی و کمال انسانی را به ایشان بیاموزد وبه آنها کمک نماید تا به مقصد برسند و شکوفا و رستگار شوند.  
تبلیغ، ابلاغ فرمان مولی و رساندن نظر دین به مردم است، دین برای تمام موضوعات زندگی انسان حکم و دستورالعمل دارد و کار طلبه این است که دیدگاه و نظر دین را نسبت به موضوعات زندگی، به مردم ابلاغ نماید و ضمن دعوت و تشویق به عمل و بندگی، آنها را نسبت به سرکشی و گناه و عاقبت عذاب بیم دهد و نسبت به سرانجام نیکو و پاداش بهشتی امیدوار سازد.  
بهترین آیه ای که در آن به وظایف طلبگی اشاره شده، آیه "نفر" است که در آن خدای متعال فرموده: و ما کان المومنون لینفروا کافه فلو لا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون. (توبه، ۱۲۲)  
معنی آن آیه بدین شرح است . و شایسته نیست مؤمنان همگی برای جهاد با دشمن کوچ کنند، پس چرا از هر فرقه ای از آنان دسته ای کوچ نمی کنند تا آگاهی عمیق در دین پیدا کنند وقوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند ، بیم دهند؟ باشد که آنان از عواقب بد خویش را برحذر دارند.  
در این آیه که پس از آیات جهاد نازل شده، گروه معینی از مؤمنان از حکم وجوب جهاد و حرکت به سوی جبهه ی جنگ استثنا شده اند تا این سه هدف را پی گیرند.  
در ادامه آیه انذار آمده: ولینذروا قومهم - یعنی علاوه بر خودسازی، وظیفه مهم دیگری که طلبه دارد انزار است، یعنی از گمراهی آنها را بترساند و مانع انحراف آنان از بندگی خدا شود و مردم و قوم خود به سوی بندگی خدا هدایت نماید.  
البته از کلمه قومهم استفاده می شود که باید مخاطب شناس باشد و در سخن گفتن با زبان مردم و گروهی که می خواهد برای ایشان به تبلیغ و هدایت دینی بپردازد، آشنا باشد و مهارت های لازم را داشته باشد.  
نقش طلبه و روحانی در جامعه، راهبری اجتماعی و تلاش برای نهادینه شدن ارزش های دینی و اخلاقی در سطح جامعه است. این نقش را امامان شیعه (ع) هم داشته اند.  
طلبه در حقیقت امام و پیشوای مردم و جامعه در صراط مستقیم الهی و راهبر راه خدا است و لذا باید صلاحیت های لازم علمی و عملی و تقوایی را برای احراز این جایگاه مهم داشته باشد.  
افراد کم سوادی که متاسفانه بدون داشتن هرگونه صلاحیت لازم، اقدام به تلبس به این لباس مقدس می کنند، جز انحراف و گمراهی تولید نمی کنند.  
نقش هدایتگری حوزه‌های علمیه و روحانیت از نظر امام خمینی این گونه عنوان شده: روحانیین که مربی انسان‌ها هستند، به جای انبیاء نشسته‌اند، مبعوث از طرف انبیاء هستند. آقایان علمای اعلام مسئولیت شان زیاد است. چنانچه شغل شان از همه شریف‌تر است. شغل، شغل انبیاء است و مسئولیت، مسئولیت انبیاء.  
۲- ایفای نقش "استاد اخلاق" برای خواص جامعه:  
یکی از وظایف مهم طلبه و روحانی رهنمود به طالبان سلوک است زیرا ذهن خواص و قشر تحصیل کرده جامعه، فراتر از عوام و توده مردم عمل می کند و با سخنرانی و موعظه و هدایت کشکولی اقناع نمی شود.  
این قشر مهم جامعه نیاز به سیستم علمی و منطقی سلوک دارند که به صورت گام به گام ایشان را تا رسیدن به اهداف نهایی رشد و تربیت دینی راهنمایی کند.  
یکی از خروجی های مهم حوزه علوم دینی تربیت استاد اخلاق است. استاد اخلاق عالمی است که با احاطه کامل به آموزه های تربیتی اسلام و تجربه عملی خود، قادر است به صورت سیستمی و گام به گام شاگردان خود را به سمت کمال انسانی رهبری نماید.  
امروزه متاسفانه ما با کمبود چنین اساتیدی روبرو هستیم و حوزه نتوانسته به وظیفه خود در تربیت چنین عالمانی درست عمل نماید. .  
عدم وجود اساتید اخلاقی حلقه مفقوده و خلائی را باعث شده که اکنون عرفان های کاذب و روان شناسان غربی و صوفیه سعی در پر کردن آن دارند و طبیعی است که این گروه ها نیز قادر به پاسخ گویی به نیازهای قشر فرهیخته در این زمینه نباشند.  
۳- فرهنگ سازی و راهبری کلان فرهنگی:  
وظیفه مهم دیگری که طلاب و روحانیون به عهده دارند، فرهنگ سازی و راهبری کلان فرهنگی در سطح جامعه است.  
در این راستا لازم است عالم دینی با دخالت در فرهنگ سازی نسبت به ارزش های الهی و انسانی در سطح جامعه و مبارزه بی امان با آسیب های گوناگون اجتماعی و هجوم فرهنگی دشمن، مراقب سلامت فکری و فرهنگی جامعه باشد و در جهت بهبود وضعیت دینی و فرهنگی و محیط زیست مردم، به وظایف خود عمل نماید. .  
۴- درمان گری اخلاقی و قلبی:  
طلبه و روحانی و عالم دینی مانند یک پزشک روحی، شان اصلاحی و درمانگری معنوی و اخلاقی دارند، اصلاح افکار و گرایش ها و انگیزه ها و اخلاق و رفتار، کار عالم دینی است.  
کسی که انسان سازی و تربیت دینی نمی داند و درمانگری روحی بلد نیست، صلاحیت های علمی و عملی و تقوایی ندارد، روش هدایت در صراط مستقیم را نیاموخته، هویت طلبگی ندارد و نباید لباس روحانیت به تن بپوشد.  
در روایت داریم که العلم علمان علم الابدان و علم الارواح. روحانی نقش پزشک روح را برای مردم ایفا می کند، بنابراین باید نقش درمانگری روحی را تحت عنوان طبیب دوار به طبه، برای مردم داشته باشد و مشکلات روحی آنها را ببیند و دلسوزانه در رفع بیماری های اخلاقی آنها کوشا باشد.  
۵- مشاوره و راهنمایی:  
دیگر از نقش های یک روحانی مقام مشاوره است، مردم اکثرا به آنها اعتماد دارند و فکر می کنند یک عالم دینی با عقلانیت توحیدی و دینی که دارد از هر کسی بهتر می تواند آنها را در امور زندگی و دینی راهنمایی کند و لذا اغلب مردم برای گرفتن مشاوره به عالمان دینی رجوع می کنند، در این راستا لازم است که طلبه ها ضمن هدایت آنها به بهترین راهی که رضایت خدا در آن است، کاملا رازدار مردم نیز باشند.  
۶- خدمت رسانی و جهاد سازندگی:  
یکی از شئون طلبه ها و روحانیون به تاسی از انبیای الهی و امامان شیعه (ع) ارایه خدمات اجتماعی و فقر زدایی نسبت به مردم در قالب جهاد سازندگی و مانند آن است.  
امامان ما در این زمینه اهتمام داشتند. علی (ع) حتی چاه کنی و درخت کاری می کرده و نخیلات فراوانی را با دست خود و برای رفاه حال مردم ایجاد کرده است و سایر امامان هم به آبادانی زمین اهتمام داشتند و به خصوص نسبت به فقرا توجه خاصی داشتند، معروف است که علی (ع) شب ها برای فقرای کوفه نان و غذا می برند.  
  
الان طلبه ها در حوادثی مانند زلزله و سیل و حضور فعال پیدا می کنند و خدمت رسانی به مردم را از وظایف خود می دانند. حضور طلاب و عالمان دینی در چنین صحنه هایی در جذب قلوب مردم به دین و روحانیت تاثیر فراوانی دارد.  
  
وظیفه روحانیت نسبت به نظام و انقلاب!  
وظیفه علما و طلبه ها و روحانیون در حفظ نظام و انقلاب اسلامی بسیار سنگین است زیرا این نظام مقدس حاصل تلاش انبیاء الهی و امامان معصوم (ع) در طول تاریخ بوده و برآمده از خون صدها هزار شهید انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی می باشد. این انقلاب مقدس ریشه در توحید و خداپرستی دارد و بر مبنای ارزش های الهی بنیان گذاری شده است.  
طلبه ها هم خودشان وظیفه دارند تا از انقلاب و رهبری و نظام اسلامی حمایت نمایند، هم لازم است مردم با به این حمایت تشویق کنند و نوعی بصیرت انقلابی ایجاد نمایند.  
امروز انقلاب اسلامی دشمنان کوچک و بزرگ، داخلی و خارجی فراوانی دارد که باورهای مردم را هدف قرار داده اند و این وظیفه روحانیت وعلمای اسلام است که اولا خودشان دشمن را بشناسند و ثانیا به مردم آگاهی بدهند و دشمن را به آنها بشناسانند و حیله های دشمن را افشا کنند و از باورهای مردم در برابر هجوم فرهنگی و فکری دشمن صیانت نمایند.  
در این زمینه رهبر انقلاب در جمع طلاب مشهد فرموده است: ما این را بدانیم که امروز مسؤولیت روحانیت، بسیار سنگین است. اولین مسؤولیت شما، عبارت از پاسداری از اسلام و نظام اسلامی است.  
آن کسانی که با نظام اسلامی با این عظمت، که اسلام را عزت بخشید، مسلمین را سربلند کرد، اسلام را در دنیا مطرح نمود، ملت های مسلمان تحقیرشده و فراموش شده را به یاد اسلام انداخت - که می بینید چه طور ملت ها یکی پس از دیگری، به سمت اسلام گرایش پیدا می کنند - بلکه در سطح جهان، آزادی ملت ها را به دنبال آورد، مخالفت کنند، مورد عفو و اغماض قرار نخواهند گرفت.  
روحانیت جلودار انقلاب اسلامی:  
اگر روحانیت در کشور ما جلودار این قضیه[انقلاب] نبود، نهضت همه گیر نمی شد و نیروها در راه اسلام به کار نمی افتاد. در دنیای اسلام هم علمایی را می شناسیم که در سخت ترین شرایط و دشوارترین فشارها، حق گفتند و دنبال آن حرکت کردند.  
اینها کسانی بودند که به خاطر حمایت از جمهوری اسلامی و امام(ره) و انقلاب، فشارهای سختی را در کشور خود تحمل کردند. یقیناً این افراد، جزو بندگان صالح خدا هستند و پرچمی را به اهتزاز در آوردند که آبروی روحانیت را حفظ کرد.  
کسانی هم هستند که نقطه ی مقابل اینها عمل کردند و ضرر زیادی به اسلام زدند. اینها وسیله ی توطئه و نفوذ و تبلیغات دشمن هستند. مردم مسلمان دنیا باید از شر آنها به خدا پناه ببرند و آنها را الدّ الخصام مفاهیم و ارزش های اسلامی بدانند. سخنان رهبر انقلاب در جمعی از روحانیون استان مازندران و اصفهان و طلاب خارجی.عواقب بی طرفی در قبال حوادث جهانی:  
بی طرف ماندن روحانیت در مسائل چالشی اساسی، موجب نمی شود که دشمن روحانیت و دشمن دین هم بی طرف و ساکت بماند؛ و من نام لم ینم عنه.  
اگر روحانیت شیعه در مقابل حوادث خصمانه ای که برای او پیش می آید، احساس مسئولیت نکند، وارد میدان نشود، ظرفیت خود را بروز ندهد، کار بزرگی را که بر عهده ی او است، انجام ندهد، این موجب نمی شود که دشمن، دشمنی خود را متوقف کند؛ بعکس، هر وقت آنها در ما احساس ضعف کردند، جلو آمدند؛ هر وقت احساس انفعال کردند، به فعالیت خودشان افزودند و پیش آمدند.  
غربی ها ظرفیت عظیم فکر شیعه برای مواجهه ی با ظلم جهانی و استکبار جهانی را از مدت ها پیش فهمیده اند؛ از قضایای عراق، از قضایای تنباکو؛ لذا آنها ساکت بشو نیستند؛ آنها به تجاوز خود، به پیشروی خود ادامه می دهند.  
سکوت و بی طرفی علما و روحانیون و حوزه های علمیه به هیچ وجه نمی تواند دشمنی دشمن را متوقف کند. بنابراین حرکت حوزه های علمیه، بی طرف نماندن حوزه های علمیه در قبال حوادث جهانی، در قبال مسائل چالشی ملی و بین المللی یک ضرورتی است که نمی شود از آن غافل شد. بیانات در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم .  
لزوم حمایت روحانیت از حکومت اسلامی!  
امروز اگر روحانیت در قبال حکومت، بی اعتنا و بی مبالات باشد، هم خودش ضایع خواهد شد و هم حکومت اسلامی تضعیف می شود.  
حکومت اسلامی، حکومت قرآن و حکومت فقه و فقیه و حکومت علم و عدل است. حکومت برای گسترش آرمان های اسلامی است. تشکیل حکومت اسلامی، آرزوی همه ی اولیاءاللَّه در طول تاریخ بوده است.  
هر فرد مؤمنی وظیفه دارد از آن دستگاه سیاسی که اسلام را ترویج و احکام آن را پیاده می کند، حمایت کند. مگر عالِم دین می تواند نسبت به حکومت اسلامی بی اعتنا بماند؟!.  
افراد کافر به اسلام، در مقابل حکومت طاغوتی بی اعتنا می مانند. طاغوت، یعنی کسی که در مقابل خدا، دستگاهی برپا می کند: انداداللَّه، شرکاءاللَّه.  
کسانی که خود را بنده ی مطیع خدا می دانند، برای تحقّق اهداف خدایی تلاش می کنند و صبح و شام در مقابل پروردگار پیشانی خضوع به خاک می سایند که به آنها توفیق دهد خدمتگزار دین او باشند.  
اگر اینها در کشور، زمام قدرت را به دست گیرند، همه وظیفه دارند که مانند یک عبادت، از آنان حمایت کنند. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون. وظیفه طلبه نسبت به دولت و سیاست!  
وظیفه اصلی طلبه ها و روحانیت نسبت به دولت نظارتی و هدایتی است، ولی حق دخالت در سیاست و مدیریت نظام اسلامی را نیز دارند، اما تا ضرورت اقتضا نکند، نباید در مناصب دولتی و اجرایی وارد شوند، چون شان آنها بالاتر از چنین مناصبی است.  
در توضیح مسأله خوب است به سیره امام خمینی (رض) در این زمینه اشاره کنیم. امام(ره) در برخی از مصاحبه ها و سخنرانی های خویش پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، وظیفه روحانیت را ارشاد و نقد و نظارت و هدایت دولت دانسته و حضور روحانیت در مسئولیت های دولتی را لازم نمی دیدند.  
به عنوان نمونه ایشان در پاسخ به سؤال خبرنگار مجله اکونومیست در مورد نقش روحانیت و رهبران مذهبی در آینده، فرمودند: روحانیون در حکومت آینده نقش ارشاد و هدایت دولت را دارا خواهند بود .(صحیفه نور، ج۴، ص ۱۸۰)  
همچنین در پاسخ سؤال خبرنگار رویترز که در حکومت آینده آیا علما خود حکومت خواهند کرد؟ فرمودند: علما خود حکومت نخواهند کرد، آنان ناظر و هادی مجریان امور می باشند، این حکومت در همه مراتب خود متکی به آرای مردم و تحت نظارت و ارزیابی و انتقاد عمومی خواهد بود . (صحیفه امام، ج، ص ۱۶۰)  
اما پس از گذشت مقطعی از پیروزی انقلاب اسلامی، وقتی ایشان با قضایای بنی صدر و امثال آن مواجه شدند و احساس کردند که حضور روحانیون و افراد قابل اعتماد در مناصب حساس دولتی ضرورت دارد، با حضور روحانیون در برخی مناصب موافقت کردند و در عمل، روحانیون اقدام به پذیرش مسئولیت های کلیدی در امور حکومت نموده اند.  
اما باید توجه شود که حضور روحانیون در مناصب اجرایی و دولتی آسیب های فراوانی نیز دارد و ایشان را در معرض اتهام به سوء مدیریت و یا احیانا برخی مفاسد قرار می دهد که در این صورت دودش به چشم تمامی روحانیون خواهد رفت.  
به همین دلیل است که عرض کردیم روحانیون بهتر است تا می توانند از حضور مستقیم در امر سیاست و مدیریت دولتی دور بمانند و از جایگاه هدایت گری خود، رفتار مدیران را نقد و اصلاح نمایند. .  
در افق فکری امام (ره) اسلام دینی است جامع که به همه شئون زندگی انسان توجه داشته و برای تمام ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... قوانینی در نظر گرفته است و نه تنها بدین منظور حکومت تأسیس نموده است بلکه اساسا اسلام، دین حکومت است.  
بر این اساس ایشان در کتاب البیع تصریح نموده اند: الاسلام هو الحکومه بشؤونها و الاحکام قوانین الاسلام و هی شأن من شؤونها بل الاحکام مطلوبات بالعرض و امور الیّه لاجرائها و بسط العداله ( امام خمینی (ره)، البیع، ج۲، ص ۶۳۲)  
یعنی؛ اسلام حکومت به تمام شئون آن است و احکام، قوانین اسلام است که شأنی از شئون آن است، بلکه احکام مطلوب عرضی بوده، مطلوب اصلی اجرای آنها در جامعه و گسترش عدالت است.  
حکومت از منظر امام (ره) فلسفه عملی تمامی فقه در ابعاد زندگی انسان است، با همین نگاه است که امام (ره) می فرمایند: حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی وفرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. (صحیفه امام ، ج۲۱، ص ۲۸۹)  
در چنین نگاهی ، روحانیت به عنوان مبلغان و حافظان دین نه تنها حق حضور در امور سیاسی و اجتماعی را دارند، بلکه جایگاه و موقعیت آنان این مسئولیت و وظیفه را برعهده آنان قرار می دهد و نمی توانند از آن بر کنار بوده و نسبت به آن بی تفاوت باشند .  
وظایفی همچون هدایت و ارشاد مردم، حفظ کیان دین و مذهب، مبارزه با ظلم و انحصار طلبی، آگاه سازی مردم وبیدار نمودن آنان در مقابله با توطئه ها، خطرات و تهدیدات مختلف، حفظ استقلال و آزادی کشور اسلامی و حمایت از محرومین و پا برهنگان و... گویای نقش و رسالت روحانیت در قبال اسلام و مردم است.  
  
وظیفه طلبه نسبت به حوزه!  
طلبه به تنهایی تعریف و کارکرد خاصی دارد، ولی تحت سازمان روحانیت می‌تواند اهداف و کارکردهای جدیدی داشته باشد.  
مثلا یکی از وظایف طلبه و عالم دینی نسبت به حوزه، جایگاه تدریس است، زیرا اصل ماموریت حوزه طلبه پروری و دین پژوهی است.  
طلبه ها باید بتوانند بعد از مدتی در جایگاه استادی قرار بگیرند و ضمن تحقیق درباره مسایل دینی و پیشبرد اهداف علمی حوزه، به طلاب دیگر، علوم دینی را بیاموزند.  
مشارکت در مدیریت حوزه و تدوین متون درسی حوزوی و پیشرفته شدن ساختارهای آموزشی حوزه می تواند از جمله وظایف طلاب نسبت به حوزه باشد.  
هم‌چنین هنگامی که این سازمان تحت مجموعه بزرگتری مثل نظام اسلامی قرار بگیرد کارکردهای جدید و تازه‌تری نسبت به مرحلۀ قبل پیدا می‌کند.  
یعنی سازمان روحانیت می‌تواند یک سازمان فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی باشد که در هر یک از این عرصه‌ها، طلبه دارای وظایف و کارکردهای خاصی است.  
در مجموعۀ نظام اسلامی هم به عنوان یکی از عناصر کلیدیِ آن، نقش بازی می‌کند و رتق و فتق بسیاری از امور نظام اسلامی بر عهدۀ این مجموعه است.  
شاید بتوان گفت که این هویت ثالثی است که برای سازمان روحانیت در مجموعه نظام اسلامی تعریف می‌شود.  
یعنی همان ارکان هویتی در سه سطح تعریف می‌شود. سطح فردیِ طلبه، سطح طلبه در سازمان روحانیت و یک سطح هم مجموعه سازمان روحانیت در نظام اسلامی.  
البته طلبه اول باید طلبه باشد تا اینکه بتواند به بقیۀ شئون و کارهایش بپردازد. طلبه‌ای که کارمند باشد، کاسب باشد و خلاصه آن دو شأن اصلی، محور زندگی‌اش نیست، نقش چندانی در سازمان روحانیت نخواهد داشت و عملاً سازمان متشکل از این‌جور اشخاص نقش خاصی در نظام اسلامی نمی‌تواند ایفا کند.  
در جامعۀ اسلامی عملاً وظائفی برای طلبه‌ها تعریف می‌کنیم که در قالب شئون فردی جا نمی‌گیرد. مثلاً در جامعه اسلامی قاضی نیاز است.  
قاضی فقط شأن تفقه را ندارد، تفقه و انذار هم به تنهایی یک قاضی به وجود نمی‌آورند. قاضی یک مسئولیت اجتماعی است که در نظام اسلامی طلبه‌ها مجبورند که این وظیفه را انجام دهند.  
بسیاری از نیازها در فضای برنامه‌ریزی، برخی نیازها در فضای مدیریت و نیازهای زیادی در فضای آموزش و تربیت نظام اسلامی، مواردی هستند که عملاً اصل و اساس مسئولیت آنها بر عهدۀ سازمان روحانیت و حوزه‌ها است.  
بعضی از این‌ها می‌تواند ادامه تفقه و مبتنی بر تفقه و انذار باشد، ولی کارهای جدید و تازه‌ای است که نیازهای نظام اسلامی است و سازمان روحانیت باید جوابگوی آن باشد.  
طلبه، اگر خودش را تنها در نظر بگیریم، کارش انذار و تفقه است. وقتی درون سازمان قرار بگیرد، نقش‌های جدید ایجاد می‌شود، یکی رئیس می‌شود، گروه‌هایی تشکیل می‌شود و ... که این کارهای تازه الزاما تحت تفقه و انذار جا نمی‌گیرد، کارهای جدیدی است که لازمۀ یک تشکل بزرگ با اهداف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. وظیفه سربازی امام زمان (عج)!  
وظیفه اصلی طلبه ها حضور در میادین جنگ سخت افزاری و نظامی نیست. طلاب و علمای دین سرباز میدان های جنگ نرم و فرهنگی اند و در جنگ تحمیلی هم که حضور می یافتند، کارشان تبلیغ دین و دادن روحیه ایمانی به مجاهدان راه خدا بود.  
در مسیر مبارزه نرم افزاری با دشمن طلبه ها نقش اول را دارند. طلبه یعنی سرباز امام زمان ولی، سرباز امام زمان بودن کار ساده ای نیست. .  
کسی واقعا سرباز امام زمان است است که دشمن را بشناسد استراتژی دشمن را بداند . با تاکتیک ها و حیله های دشمن را آشنا باشد. عرصه مبارزه و میدان جهاد و جبهه را بداند کجا است. روش مبارزه با دشمن را بلد باشد و در جبهه مبارزه با دشمنان امام زمان و کشور امام زمان حضور فعال داشته باشد.  
امروز دشمن امام زمان نظام سلطه جهانی به خصوص استکبار آمریکا و سربازان داخلی او که همین غرب زده های داخلی است که جاده صاف کن دشمن و شیطان شده اند.  
استراتژی دشمن براندازی نظام جمهوری اسلامی و کشور شیعه است آنها در پی آن هستند که ریشه اسلام ناب، یعنی مذهب شیعه را بخشکانند و از راه های فراوانی وارد این مبارزه شده اند. .  
تاکتیک هاشون خیلی فراوان و گسترده است در این مقاله نمی گنجد که بخواهیم درباره آنها صحبت کنیم. هر سربازی خودش باید این روش ها و حیله های دشمن را بشناسد و به مردم خودش آگاهی بدهد.  
عرصه مبارزه امروز میدان جنگ نرم است. شبکه های مجازی و پیام رسان های اجتماعی است و سرباز امام زمان همان افسر جنگ نرمی است که رهبر انقلاب فرمودند و به آنها آتش به اختیار دادند.  
امروز سربازان امام زمان (عج) را کسی به نام امام خامنه ای به نیابت از آن حضرت رهبری و فرماندهی می کند.  
طلبه ها اولا باید خودشان آگاه و بیدار باشند و ثانیا به مردم آگاهی و بیداری بدهند نسبت به دشمن و از تاثیرات مخرب هجوم های اقتصادی و فرهنگی آنها جلوگیری کنند. وظیفه اصلی طلبه و انحراف از آن!  
طلبه در راه شناخت عمیق دین خدا و ابلاغ و دفاع و اجرای آن می کوشد و برنامه ی خدمت اجتماعی خود را در این رسالت متمرکز کرده است.  
یعنی برخلاف دیگر مردم که عمده ی زمان و توان خود را در برنامه های دیگر می گذرانند، طلبه سرمایه ی توان و زمان خود را عمدتاً به ارتباط با منابع دینی و تلاش برای فهم و تحقیق یا دفاع از آن یا گسترش زندگی دینی در سطح جامعه صرف می کند.  
در تعبیر برخی روایاتِ حبس نفس بر مسئولیت‌ها استفاده می شود، این حبس نفس یعنی طلبه به کارهای دیگر نپردازد و خود را وقف این راه کند.  
البته طلبه می تواند از نیرو، استعداد، فرصت و امکان خود در زمینه های مختلف بهره گیرد و انواع خدمات ارزشمند اجتماعی را بر عهده گیرد.  
یک روحانی می تواند پزشک باشد و علاوه بر تبلیغ دین به معالجه و درمان بپردازد. روحانی می تواند با کودکان و نوجوانان انس گیرد و به آن ها خط و املا و ریاضی بیاموزد. روحانی می تواند در یک مؤسسه ی مالی – اعتباری سهیم باشد و در بهبود اقتصاد کشور خویش نقشی ایفا کند.  
روحانی می تواند خدمات فنی و حرفه ای ارائه دهد…. اما هیچ یک از این فعالیت ها، فعالیت صنفی روحانی به شمار نمی رود وبه طلبگی، روحانیت، لباس و نقش ویژه ی او مربوط نیست، هیچ کدام از این گزینه ها از روحانی از آن جهت که روحانی است انتظار نمی رود و روحانی به خاطر کاستی و کاهلی در آن هرگز مؤاخذه و ملامت نمی شود.  
کسی از روحانی توقع ندارد توان آموزش فن رایانه یا هنر خوش نویسی را داشته باشد، کسی توقع ندارد که روحانی پاسخگوی پرسش های فیزیک و شیمی و جبر و حساب و هندسه باشد.  
هیچ کس از روحانی برای ساخت یک بنای مسکونی یا تعمیر وسیله ی نقلیه ی خود مشاوره ی فنی نمی طلبد. روحانی مسئول حل مُعضَل ترافیک یا بهینه سازی تجهیزات آزمایشگاهی مدارس نیست.  
اما در مقابل هر کسی حق دارد روحانی را پاسخگوی پرسش های دینی خود بشناسد و از او توقع آمادگی برای ابلاغ پیام خدا را داشته باشد.  
هر کسی حق دارد روحانی را مسئول تربیت اخلاقی دینی نسل نو و آموزش معارف قرآن و روایات بداند .  
هر کسی می تواند از روحانی انتظار گره گشایی و بن بست شکنی در تلاطم های روحی و بحران های فکری اعتقادی داشته باشد. .  
روحانی مسئول دفاع از معارف دینی در مقابل تهاجم فکری و عقیدتی جبهه ی کفر است.  
روحانی باید آموزه های فقهی ، اخلاقی و معرفتی اسلام را به خوبی دریافته باشد و نسبت میان آن ها را بداند.  
از روحانی انتظار نمی رود معلم جغرافیا و زبان انگلیسی باشد. اما به حق انتظار می رود معلم خوبی برای قرآن و حدیث باشد.  
روحانی اگر تکنیک فیلم سازی یا ترفندهای سینمایی را نداند عیب نیست و قصور از وظایف اجتماعی محسوب نمی شود. اما اگر هنر توسعه ی دینداری و عبودیت را نداشته باشد، کوتاهی کرده است.  
روحانی اگر این توانمندی های متفرقه را نداشته باشد حداکثر یک مکانیک یا پزشک یا آهنگر نیست، اما اگر نتواند جامعه را به سمت ارزش های اخلاقی و الهی دعوت کند، روحانی نیست.  
البته روحانیت وظیفه دارد در راه به فهمی دین خدا هر گونه تلاشی را به کار گیرد انواع فعالیت های علمی به هدف کشف آفاق جدید دین خدا از وظایف روحانی است.  
بسیار تفاوت است میان کسی که می خواهد عالم فلسفه و روانشناسی باشد با کسی که فلسفه را در خدمت فهم معارف دین می خواهد و نیز میان کسی که عالم صرف و نحو است و کسی که صرف و نحو را در خدمت فهم قرآن و حدیث می خواهد.  
عالم دین در پی کشف نظر خدا و در صدد فهم سخن پیشوایان معصوم است و در صرف و نحو و فلسفه و عرفان و روانشناسی به دنبال دستیابی به قرائن و شواهدی است که حقایق و مبانی را بیشتر معلوم گرداند، در حالی که عالم فلسفه و روانشناسی فارغ از دغدغه شناخت حقایق از روش های خاص علوم است.